Journal of Islamic Wisdom and Law
Vol. 1, No. 2, 2024
Publisher: Islamic Azad University of Najafabad
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi:

Original Paper

Article History:
Received: 8 April 2024
Revised: 21 May 2024
Accepted: 29 May 2024
Published Online: 21 June 2024

The Status of the Principle of Common But Differentiated Responsibility of States in the Legal Regime of Climate Change

Mona Davanlou[1] (Corresponding Author), Tahmineh Edalatjoo[2]
1. Department Law, Faculty of Law, North- Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
E-Mail: mn.dvnlu@gmail.com
2. Department of Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract
The issue of climate change is focused on identifying the principle of common but differentiated responsibility of states, which is used as a guiding principle in the climate change legal system. This principle, which is called (CBDR) from now on, is one of the most effective principles in the international environmental legal regime. The tripartite climate documents, which were formed based on the differentiation regime, have directed the major commitments of emission reduction to the developed countries. In this research, an attempt has been made to examine the position of the principle of common but different responsibility in the legal regime of climate change, considering the strategies of international law and the international climate treaties, and considering the basis of the differentiation mechanism and its axes. The strengths and weaknesses in the process of operationalizing this principle in the climate system should be analyzed. Also, this research tries to provide the necessary solutions by explaining the obstacles and challenges ahead regarding the implementation of this mechanism. The result of this research, which was carried out with a descriptive-analytical method, shows that through redefining this principle and dividing responsibilities and changing and moving in the existing categories, homogeneous groups of governments will be presented, so that this differentiation mechanism regarding the countries in The current development should also be applied with different capabilities. It is also recommended that this principle be interpreted as an international customary principle.

Keywords: Common responsibility, different responsibility, climate change, greenhouse gases, differentiation mechanism,adaptation.

Citation: Davanlou, M.; Edalatjoo, T. (2024). The Status of the Principle of Common But Differentiated Responsibility of States in the Legal Regime of Climate Change. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (2), 80-98. Doi:

Copyrights:
Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – acsses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
دوره ۱، شماره ۲، پاییز- زمستان ۱۴۰۳
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم

مونا دوانلو[۱]، تهمینه عدالتجو[۲]

۱. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mn.dvnlu@gmail.com
۲. گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مسئله تغییرات اقلیم به شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، پرداخته است که به عنوان یک اصل راهنما در نظام حقوقی تغییرات اقلیم کاربرد دارد. این اصل ،یکی از مؤثرترین اصول در رژیم حقوقی بین‌الملل محیط‌زیست است. اسناد سه‌گانه اقلیمی که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته، تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه کشورهای توسعه یافته نموده است. در این تحقیق تلاش شده با توجه به راهبردهای حقوق بین‌الملل و با توجه به معاهدات بین‌المللی اقلیمی، جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را در رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی بررسی کرده، و با امعان نظر به مبنای مکانیسم تمایز و محورهای آن، نقاط قوت و ضعف در فرایند عملیاتی‌سازی این اصل در نظام اقلیمی تجزیه و تحلیل گردد. همچنین این پژوهش درصدد است تا با تبیین موانع و چالش‌های پیش رو در مورد اجرایی شدن این مکانیسم، راهکارهای لازم را ارائه دهد. نتیجه این تحقیق که با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده نشان می‌دهد که از طریق بازتعریف از این اصل و تقسیم مسئولیت‌ها و تغییر و جابجایی در دسته‌بندی‌های موجود، باید دسته‌های همگنی از دولت‌ها ارائه گردد تا این مکانیسم تمایز درخصوص کشورهای در حال توسعه با توانمندی‌های متفاوت نیز اعمال گردد. همچنین توصیه می‌گردد تا این اصل، به عنوان یک اصل عرفی بین‌المللی مورد تفسیر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: مسئولیت مشترک، مسئولیت متفاوت، تغییرات آب و هوایی، گازهای گلخانه‌ای، مکانیسم تمایز، انطباق.

نحوه ارجاع به مقاله:

دوانلو، مونا؛ عدالتجو، تهمینه (۱۴۰۳). جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم. *دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق*. ۱ (۲)، ۹۸-۸۰، Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – acsses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

مقدمه

یکی از اصول حاکم بر کنوانسیون ساختاری تغییرات اقلیم، اصل مسئولیت مشترک[1] اما متفاوت دولت‌ها است. مفهوم این اصل که از این پس(CBDR[2]) نامیده می شود ، در مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی، از ا سا سی‌ترین مفاهیم در عر صه همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی ا ست (پورها شمی و ارغند، ۲۳۴:۱۳۹۲). این ا صل یکی از ا صول حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌با شد که از مفهوم میراث م شترک ب شریت ن شأت گرفته ا ست و بر م سئولیت م شترک ک شورها برای حفاظت از محیط‌زیست و در عین حال تعهدات متفاوت آنها با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال متفاوت و خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی و توانایی‌هایی فنی و اقتصادی‌شان برای برطرف کردن مشکلات زیست‌محیطی تأکید دارد.

مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت انعکاس گسترده‌ای در اسناد غیرالزام‌آور حقوق محیط‌زیست یا حقوق نرم (قوام نیافته) داشته است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به عنوان تکنیکی بسیار ظریف به همبستگی دولت‌ها برای گردهمایی جهت تصویب کنوانسیون‌های متعدد زیست‌محیطی و در نتیجه تحقق حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کمک شایانی کرده است (عبدالهی، ۱۹۳:۱۳۸۹).

این اصل تفاوت‌های تاریخی در سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مشکلات زیست‌محیطی جهانی و توانایی‌های فنی و اقتصادی هر کدام برای حل مشکلات را مورد توجه قرار می‌دهد.[3] به دیگر سخن، علیرغم مسئولیت مشترک کشورها در حفاظت از محیط‌زیست در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، تفاوت‌های مهمی میان تعهدات ک شورهای تو سعه یافته و درحال تو سعه وجود دارد. اگر چه این اصل، هنوز تبدیل به یک قاعده عرفی بین‌المللی نشده است، اما نقش مهم و کلیدی آن در توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از طریق منصفانه کردن تعهدات معاهداتی و کمک به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه، قابل توجه است (عبدالهی و معرفی، ۲۰۰:۱۳۸۹). این اصل، از دو قسمت اصولاً متفاوت و در عین حال بهم وابسته تشکیل شده است: الف) مسئولیت مشترک؛ و ب) مسئولیت یا تعهدات متفاوت. منظور از مسئولیت مشترک، مسئولیت‌پذیری کشورها برای حفظ محیط‌زیست یا قسمتی از آن در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. اما مسئولیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای عمل به این تکلیف ممکن است متفاوت باشد.

بخش دوم مربوط به نیاز به در نظر گرفتن شرایط مختلف به ویژه در مورد سهم کشور در ایجاد یک مشکل محیطی خاص و توانایی آن در پیشگیری، کاهش و کنترل خطر است. (Shirazian,S ,ar. al. 2021:32) این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی به لحاظ تاریخی با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی‌های مالی و تکنولوژیکی این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست‌محیطی توجیه می‌شود.

بنابراین مسئولیت‌های متفاوت به تعهدات حقوقی متفاوتی منجر می‌شود. این تفاوت یاد شده در تعهدات، معمولاً از طریق اجرای با تأخیر تعهدات، وضع تعهدات آسانتر، شناسایی استانداردهای متفاوت و تعهد به اعطای کمک‌های بین‌المللی شامل کمک‌های مالی و انتقال تکنولوژی محقق می شوند (Rajmani, 2015, 12). بنابراین ا صل م سئولیت م شترک اما متفاوت، که مبتنی بر مکانی سم تمایز ا ست، بر حفاظت از محیط‌زیست، تعهدات متفاوت دولت‌ها با توجه به شرایط او ضاع و احوال متفاوت آنها، تأکید دارد. چراکه، نا شی از تمایز ک شورها به دلیل تو سعه یافتگی، توانایی فنی‌های فنی و اقت صادی، ظرفیت‌ها و اولویت‌های آنها می‌با شد. پس از دهه‌ها همکاری فزاینده بین‌المللی در مورد مسائل زیست‌محیطی، مفهوم مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت به یک اصل اساسی در چارچوب مذاکرات بین‌المللی زی ست‌محیطی تبدیل شد. به طور خاص،این ا صل به عنوان یک ا صل سیا ست‌گذاری پدیدار شد که منعکس‌کننده ا صل

[1] Common But Differentiated Responsibilities
[2] - common but differentiated responsibility .
[3] the center for international sustainable development law (CISDL), the principle of common but differentiated responsibilities: origins and scope: a report for the world summit on sustainable development 2002. Available at: http://www. cisdl. org/pdf/brief_common. pdf

ایده‌آل‌گرایانه‌تر عدالت است. این اصل، اجماع سیاسی پایدار را نشان می‌دهد که برای مبارزه با مشکلات زیست‌محیطی جهانی، گسترده‌ترین همکاری ممکن توسط همه کشورها مورد نیاز است و همه طرف‌ها مسئولیت دارند که با در نظر گرفتن شرایط، ظرفیت‌ها و نیازهای توسعه‌ای ملی مختلف خود، بر اساس آن عمل کنند (Chinwa Ole,2021:262).

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصلی مدرن در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که در عمل کاربرد آن برای دولت‌های توسعه یافته به دلیل بار کردن مسئولیت بیشتر بر آن‌ها، چندان آسان نمی‌باشد. هدف اصلی این تحقیق، بررسی جایگاه اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم است. همچنین تعهدات دولت‌ها در نظام اقلیمی مطابق با کارکرد مکانیسم تمایز، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. به علاوه موانع پیش رو در اجرای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام حقوقی تغییرات اقلیمی بررسی می شود. لذا سؤال اصلی تحقیق این است که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در نظام حقوقی تغییرات اقلیمی چه کارکردهایی دارد و چالش‌های پیش رو در اجرای این مکانیسم تمایز در رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی شامل چه مواردی می‌باشد. امید است با پاسخ به هریک از این پرسش‌ها بتوان گامی در جهت رفع این چالش بزرگ جهانی که حیات بشر را متأثر می‌سازد برداشت.

۱- اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم

یکی از این موضوعات زیست‌محیطی، مسئله تغییرات اقلیم است که با شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، تعهدات مشخص و تفکیک شده‌ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مطرح می‌نماید. در حوزه حقوق محیط‌زیست، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها به ویژه در خصوص موضوع تغییرات اقلیمی، زمانی که دولت‌ها نیازمند محدود کردن میزان انتشارات گازهای گلخانه‌ای هستند، به منظور جلوگیری از اثرات چشمگیر و غیر قابل کنترل ناشی از تغییرات اقلیم، اعمال می‌گردد (Zaccai ,E. Lugen,K. 2016:277).

تغییرات آب و هوایی انسانی یک چالش بزرگ است. با این حال سهم کشورها در انتشار گازهای گلخانه‌ای جهانی و تأثیرات تغییرات آب و هوایی که آنان با آن مواجه هستند، قطب‌های متفاوتی را ایجاد کرده است. این تفاوت‌ها و همچنین ظرفیت‌ها و سطوح مختلف توسعه کشورها با گنجاندن مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها و ظرفیت‌های مربوطه تحت کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی (UNFCCC) در سطح بین‌المللی تأیید شده است (Pauw ,p. et al. 2014:123) که به موجب آن کشورهای توسعه یافته صنعتی، رهبری را در رسیدگی به معضل تغییرات آب و هوایی بر عهده دارند و به طور خاص کشورهای در حال توسعه را از کاهش الزام‌آور انتشار گازهای گلخانه‌ای مستثنی می‌کند.

این اصل بر اساس اصل انصاف است: کشورهای توسعه یافته به طور نامتناسبی مسئول انتشار تاریخی گازهای گلخانه‌ای هستند و بیشترین ظرفیت را برای اقدام دارند. نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی، با ایجاد دو گروه از کشورها در رژیم آب و هوایی بین‌الدولی، شدیدترین مورد تمایز را نشان می‌دهد.

کشورهای توسعه یافته سهم بیشتری در بهره‌گیری از محیط‌زیست جهان و تخریب آن داشته‌اند همچنین، فناوری و منابع بیشتری برای بهسازی محیط‌زیست و مقابله با تخریب آن در اختیار دارند، بنابراین مسئولیت سنگین‌تری را برای کاهش و حذف الگوهای ناپایدار تولید و مصرف و همچنین در مشارکت جهانی برای ظرفیت‌سازی در کشورهای در حال توسعه برعهده دارند.

به موجب این رژیم کشورهای در حال توسعه بلکه زیر گروه‌های بیشتری از کشورها در شرایط خاصی رفتارهای متفاوتی را ارائه می‌دهند:

الف- اقتصادهای در حال گذار که ازتعهدات مالی تحمیلی سایر کشورهای صنعتی معاف هستند، در اجرای تعهدات کاهش انتشار خود انعطاف‌پذیری کمی از خود نشان دادند.

ب- کشورهای در حال توسعه آسیب‌پذیر در برابر تغییرات آب و هوایی و کشورهای در حال توسعه که اقتصاد آنها به طور خاص به تولید، استفاده و صادرات سوخت فسیلی وابسته است.

ج- برخی کشورها دارای سطح توسعه پایین، که با وجود عضویت در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. با این حال کشـورهای در حال توسـعه، تغییرات اقلیم را یک مسـأله امنیتی نمی‌دانند و معتقدند تغییرات آب و هوایی در چارچوب توسعه پایدار بهبود می‌یابد (تقوی و طیبی، ۲۳۴:۱۳۹۲). بنابراین رویکرد کشورها در مواجهه با تعهدات اقلیمی بسیار متفاوت است.

۱-۱- مبنای اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در رژیم آب‌وهوا

ا صل م سئولیت‌های م شترک اما متفاوت به عنوان یک هنجار ا سا سی در مدیریت زی ست‌محیطی جهانی در سطح بین ایالتی، در نتیجه مذاکرات بین‌المللی که منجر به تصـویب کنوانسـیون چارچوب سـازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی گردید، پدیدار شـد (Kiessling,2022:1674). به طور کلی حقوق بین‌الملل عمومی مبتنی بر برابری حاکمیت‌ها اسـت. با این حال، علیرغم این اصـل ا سا سی، حقوق بین‌الملل محیط‌زی ست بین دولت‌ها از طریق ا صل م سئولیت م شترک تمایز قائل می شود. ا صل CBDR م سئولیت مشـــترک دولت‌ها را برای حفاظت از محیط‌زیســـت جهانی تعیین می‌کند. اما علاوه بر این، اســـتانداردهای رفتاری متفاوتی را برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز تعیین می‌کند (Legal Response Initiative,2020:3). اساس اصل CBDR به این معنا ا ست که همه دولت‌ها موظف به عمل (مشترک) هستند، اما کشورهای تو سعه یافته، مسئولیت بیشتری را بر عهده می‌گیرند، زیرا آنها بی‌شتر در ایجاد م شکلات زی ست‌محیطی جهانی نقش دا شته‌اند، همچنین منابع مالی و فنی بی‌شتری برای مقابله با چنین م شکلاتی را دارا می‌باشند (Anjail. 2011:276).

با این حال، برای اعمال این ا صل، مسائل زی ست‌محیطی باید م شترک با شند. در این زمینه، ا صطلاح «م شترک» به منافع جمعی یا مشترک اشاره دارد، در حالی که مسئولیت‌های مشترک به تعهدات مشترک دو یا چند کشور در قبال حمایت از یک کشور اشاره دارد. این عنصـــر، اول مســـتلزم مســـئولیت مشـــترک همه دولت‌ها برای رســـیدگی به نگرانی‌های حفاظت از محیط‌زیســـت اســـت (Rishika,2021:98). در حالی که همه کشورها مسئولیت رسیدگی به تغییرات آب و هوایی جهانی را دارند، الزامات هریک از دولت‌ها، ممکن است بسته به انتشار گلخانه‌ای گذشته و ظرفیت مالی و فنی آنها متفاوت باشد (Jutta. 2004).

اصـــل CBDR در قلب رژیم بین‌المللی تغییر آب و هوا قرار دارد و از همان ابتدا، پشـــتوانه تلاش‌های بین‌المللی برای رســـیدگی به تغییرات آب و هوا بوده ا ست (Rebecca& Jane. 2017:39). ا صل CBDR، تشخیص می‌دهد که طرف‌ها در سطوح م سئولیت خود در قبال تغییرات آب و هوایی و ظرفیت‌هایشـــان برای مقابله با آن متفاوت هســـتند و مبنایی برای تمایز بین طرفین فراهم می‌کند. سازگاری، تشخیص می‌دهد که تغییرات اقلیمی یک نگرانی مشترک است و هر دولت مسئولیت مشترکی برای حفاظت از آب و هوا دارد (Jiménez,2013:156). با این حال، در انتساب نقش‌ها و مسئولیت‌ها، اصل CBDR از سهم تاریخی بزرگتر کشورهای توسعه یافته در معضل تغییرات آب و هوایی و همچنین توانایی‌های فنی و مالی بالاتر آنها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای آگاه است.

چنین حقایق شـناخته شـده‌ای منجر به مسـئولیت‌های متمایز می‌شـود. کشـورهای توسـعه یافته «باید در مبارزه با تغییرات آب و هوایی، از جمله تأثیرات آن، پی‌شگام با شند، و همچنین به ک‌شورهای در حال تو سعه با بودجه، فناوری و دانش در ر سیدگی به م شکل تغییرات آب و هوایی کمک کنند (Pananya. 2014:170). اصـــل CBDR حاکم بر رژیم حقوقی تغییرات اقلیم بر چندین ملاحظه مبتنی است.

اولاً؛ ا صل بر مفهوم ان صاف ا ستوار ا ست. همانطور که گفته شد، ک شورهای تو سعه‌یافته به‌طور نامتنا سبی م سئول انت شار تاریخی گازهای گلخانه‌ای هسـتند. کشـورهای عضـو ضـمیمه یک، مسـئول اکثر انتشـار گازهای گلخانه‌ای در گذشـته هسـتند. انتشـار سـرانه کشورهای ضمیمه یک به‌طورکلی بسیار بیشتر از کشورهای غیر ضمیمه یک است. به این معنا که افرادی که در کشورهای ضمیمه یک زندگی می‌کنند، نسبت‌به کسانی که در کشورهای غیر ضمیمه یک زندگی می‌کنند؛ مصونیت بیشتری دارند (Hua,J. 2017:15).

دوماً؛ کشـورها از نظر آسـیب‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی متفاوت هسـتند. انتظار می‌رود کشـورهای درحال‌توسـعه و به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته با ظرفیت ضعیف خود برای جذب تغییرات کشورهای جزیره‌ای کوچک و مناطق خشک آفریقایی که از نظر

جغرافیایی در وضعیت نامناسب قابل‌توجهی قرار دارند، به شدت تحت تاثیر تغییرات آب‌وهوایی قرار گیرند. کشورهای درحال‌توسعه به چالش‌های متعددی در قالب منابع، ظرفیت و محدودیت‌های زیرساختی روبرو هستند که بر ظرفیت آن‌ها برای سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی تاثیر می‌گذارد (Mustapher ,N. 2018:43). این یک نابرابری اساسی در قلب مشکل آب و هواست که کسانی که کمترین نقش را در ایجاد این مشکل داشته باشند، بار اصلی تغییرات آب‌وهوایی را متحمل خواهند شد.

از سوی دیگر کشورهای توسعه‌یافته آغازگر تغییرات آب‌وهوایی، منابع کافی برای سازگاری آن‌ها با تغییرات اقلیمی را در اختیار دارند. در پاسخ به تفاوت‌های حیاتی، تغییرات در رژیم آب‌وهوا شامل ترتیبات تقسیم بار مسئولیت است که باید انجام پذیرد. اصل تمایز، مبتنی بر ظرفیت طرفین برای برآوردن الزامات واجد محدودیت است. اکثر کشورهای ضمیمه یک ثروتمندتر از کشورهای غیرضمیمه یک هستند. این به این معناست که کشورهای ضمیمه یک، ظرفیت مالی بیشتری برای پرداختن هزینه‌های اقدامات کاهشی دارند. علاوه‌براین زیرساخت‌های فیزیکی در کشورهای ضمیمه یک به‌خوبی وجود دارد. به هر حال، از اصل CBDR نیز می‌توان به این دلیل حمایت کرد که حتی کشورهای درحال‌توسعه نیز با مشکل تغییرات آب‌وهوایی مقابله می‌کنند. (البته نه تحت اهداف کاهشی انتشار مشخص).

۱-۱-۱- مکانیسم تمایز در کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی

کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را به رسمیت شناخته است. این کنوانسیون، تغییرات آب و هوایی را که بقای انسان و سایر موجودات وابسته به آن می‌باشد، به عنوان نگرانی مشترک بشریت توصیف کرده است. در عین حال تفاوت‌های خاص و نیازهای اولیه کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی پایدار و ریشه‌کنی فقر را مورد شناسایی قرار داده و در مقدمه به طور صریح به این اصل اشاره دارد به این نحو که «بر طرف کردن مشکل، نیازمند همکاری وسیع توسط کشورها با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت می‌باشد» همچنین تأکید می‌کند که «واکنش‌ها به تغییرات اقلیمی باید با توسعه اجتماعی و اقتصادی به شیوه‌ای یکپارچه و با در نظر گرفتن کامل نیازهای اولویت‌دار کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار با در نظر گرفتن کامل تأثیرات نامطلوب بر آن هماهنگ شود». کنوانسیون از اعضاء می‌خواهد تا سیاست‌ها و اقدامات حفاظت از آب و هوا را با برنامه‌های توسعه ملی ادغام کنند.

همچنین بند یک ماده ۳ دوباره اصل تمایز را با همان شرایط ذکر می‌کند و اعضاء را برای حفاظت از سیستم آب و هوایی مطابق با مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت و ظرفیت‌های خالی خود ترغیب می‌کند. به علاوه کشورهای توسعه یافته را مسئول رهبری مبارزه با تغییرات آب و هوایی قرار می‌دهد. بنابراین، کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تغییرات آب‌وهوایی نمونه بارز و موفق کاربست این اصل است. این بند کنوانسیون بر پایه سهم تاریخی کشورهای توسعه یافته در ایجاد تغییرات آب و هوایی، مسئولیت‌های متفاوتی را در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی می‌کند.

افزون بر این، کنوانسیون مقرراتی را برای ارائه کمک‌های مالی و انتقال تکنولوژی از طرف کشورهای صنعتی مقرر می‌دارد. با پیروی از اصل (CBDR) این معاهده کشورهای در حال توسعه را ملزم به کاهش گازهای گلخانه‌ای خود نمی‌کند. در عوض کشورهای توسعه یافته را ملزم می‌کند که در اصلاح روندهای بلند مدت در انتشارات انسانی گازهای گلخانه‌ای، مطابق با هدف کنوانسیون پیشگام شوند (Harris,P. 2019:17).

بنابراین استاندارد دوگانه‌ای در کنوانسیون به منظور دستیابی به هدف کاهش گازهای گلخانه‌ای تعبیه شده است. به این ترتیب که کشورهای پیشرفته صنعتی، پیشرو مبارزه با تغییرات اقلیم و اثرهای نا مطلوب آن معرفی شدند. این کشورها باید منابع مالی اضافی و جدید برای برآوردن کل هزینه‌های مورد نیاز کشورهای در حال توسعه را فراهم کنند. همچنین باید به دیگر کشورهای در حال توسعه که به طور خاص نسبت به تغییرات اقلیم آسیب پذیرند، در برآوردن هزینه مقابله با این اثرها کمک کنند. به علاوه، باید نسبت به انتقال فناوری سالم و متناسب با محیط‌زیست و انتقال دانش و مهارت‌های فنی به کشورهای در حال توسعه تلاش کنند.

در مقابل، کشورهای در حال توسعه کمک های مالی را دریافت می‌کند و از انتقال فناوری منتفع می شوند. به آنها فرصت بیشتری برای مبادله اطلاعات اولیه در زمینه تدابیری که برای اجرای کنوانسیون اتخاذ کرده‌اند، داده شده است. از میان آنها کشورهای کمتر توسعه یافته عضو، در ارائه گزارش‌ها می‌توانند مطابق صلاحدید خود عمل کنند. بنابراین ویژگی مسئولیت متفاوت اشاره به الزامات حقوقی و سیاسی کلی دارد. پیوند مستقیمی بین اجرای مسئولیت توسط کشورهای صنعتی پیشرفته و رعایت متقابل توسط دیگر دولت‌ها وجود دارد. (کیس و همکاران، ۲۵:۱۳۸۶). این تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست‌محیطی به لحاظ تاریخی و با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه‌یافته و توانایی‌های مالی و تکنولوژیکی این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست‌محیطی توجیه می‌شود (Matsui,2002:719).

۱-۱-۲- مکانیسم تمایز در پروتکل کیوتو

نقطه عطف بعدی در تجلی اصل CBDR در رژیم تغییر آب و هوا، پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ بود. پروتکل کیوتو یک سیستم دو لایه ساده را برای تخصیص مسئولیت، عمدتاً در اهداف کاهش، اتخاذ کرد. پروتکل اهدافی را به برخی کشورها اختصاص داد و برای برخی دیگر هیچ هدفی را تعیین نکرد. پروتکل کیوتو متضمن تعهدات اساسی دررابطه با تغییرات آب و هوایی است، و هیچ تعهدی برای کشورهای در حال توسعه به جزء تعهدات کلی مندرج در کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، ندارد. این تعهدات شامل تهیه فهرست ملی انتشارات انسانی، تدوین و اجرای برنامه‌های ملی برای کاهش تغییرات آب و هوایی، ترویج و همکاری در انتقال فناوری، ترویج توسعه پایدار، همکاری در تهیه طرح‌های سازگاری می‌شود.

تعهدات مربوط به ترویج و همکاری در تحقیقات علمی و ارتقای آموزش، آگاهی عمومی، بسیار گسترده و مبهم هستند. کشورهای عضو ضمیمه یک (کشورهای توسعه یافته و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار) تعهدات خاصی برای کاهش انتشار دارند. (حداقل ۵ درصد کمتر از سطح در سال ۱۹۹۰ خود در دوره تعهد ۲۰۰۸-۲۰۱۲) پروتکل چندین مکانیسم را شناسایی می‌کند که طرفین می‌توانند از طریق آنها به تعهدات خود دست‌یابند (اجرای مشترک، تجارت انتشار و توسعه پاک).

ماده (۱۰) پروتکل نیز، اشاره به مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت اعضاء دارد. دولت‌های توسعه‌یافته صنعتی تعهدات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ارائه کمک‌های مالی و فنی دارند، دولت‌های توسعه یافته دارای اقتصاد در حال گذار تعهدات کمتری دارند (کاهش انتشار منهای کمک‌های مالی و فنی بیشتر) حال آنکه کشورهای در حال توسعه تعهدی برای کاهش انتشار ندارند. در واقع دلیل اصلی اصل CBDR این است که با در نظر گرفتن نابرابری‌های خاصی که در جامعه بین‌المللی وجود دارد، از یک گروه به گروه دیگر، منفعت برسد. اگر چنین بود، آیا این عادلانه است که به کشورهای در حال توسعه اصلاً تعهدی داده نشود؟ پروتکل کیوتو، برنامه‌های ابتکاری برای انجام پروژه‌های مشترک میان دولت‌های در حال توسعه و توسعه یافته مقرر کرده است.

مکانیسم توسعه پاک در پروتکل کیوتو از مصادیق برنامه‌های مذکور می‌باشد (Harris,2019,20). درخصوص حفاظت از محیط‌زیست، ظرفیت‌های واقعی کشورهای در حال توسعه نیز امری تعیین کننده است. حفاظت از محیط‌زیست همانطور که قبلاً گفته شد نگرانی مشترک بشریت است، اما کشورها اولویت‌های متفاوتی در چارچوب این نگرانی مشترک دارند. اولویت کشورهای توسعه یافته از جمله مشکلات ناشی از تخریب محیط‌زیست مانند آلودگی هوا، کاهش لایه ازن و خطر از بین رفتن تنوع‌زیستی است، در حالی که اولویت‌های کشورهای در حال توسعه دست‌یابی به توسعه پایدار و ریشه‌کنی فقراست.

در چنین شرایطی، توسل به اصل برابری تعهدات طرف‌های کنوانسیون‌های نه تنها به تحقق حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی کمکی نخواهد کرد، بلکه باعث آسیب بیشتر به محیط‌زیست جهانی خواهد شد (Matsui,2002:721). برای تحقق این اهداف ضروری است که کشورهای توسعه یافته برای تضمین مشارکت کشورهای در حال توسعه در اسناد الزام‌آور زیست‌محیطی مرتبط با اولویت‌هایشان امتیازاتی را پیشنهاد کنند تا این توافقات مورد توجه و استقبال کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت ،مکانیسم نیل به چنین اهدافی است.

اگرچه پروتکل کیوتو الزامات خا صی برای کاهش انت شار گازهای گلخانه‌ای برای ک شورهای درحال‌تو سعه تعیین نکرده ا ست. آن‌ها همچنین گام‌های مثبتی را در جهت کاهش تغییرات آب‌وهوایی برمی‌دارند که برا ساس تعهدات ضمنی نا شی از آب‌وهوا می‌با شند که دغدغه م شترک ب شریت ا ست. پروتکل به‌عنوان مثال مکانیزم‌هایی ایجاد کرده به‌ویژه مکانی سم تو سعه پاک CDM که شامل اقدامات مثبت از طرف ک شورهای درحال‌تو سعه ا ست بنابراین اگرچه کاهش انت شار برای این اقت صادهای کوچک وجود ندارد، نقش‌هایی برای آن‌ها وجود دارد. ممکن است اجرایی مکانیسم توسعه پاک برای این کشورها آسان باشد تا محدود کردن انتشار که ممکن است تلاش آن‌ها برای توسعه را متوقف کند. اما رویکرد هر چه باشد، نتیجه کاهش گازهای گلخانه‌ای خواهد بود.

تمایز و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها CBDR در مقررات مربوط به حمایت مالی، فنی و تقویت ظرفیت‌ها در خصوص حمایت از سازگاری در ک شورهای در حال تو سعه و حتی در رژیم حقوقی پروتکل کیوتو قید شده ا ست. اقداماتی نیز برای ت سهیل در جذب مکانی سم تو سعه پاک در ک شورهای کمتر تو سعه یافته و بعداً در ک شورهایی با کمتر از ده پروژه ثبت شده به دنبال بهبود تعادل جغرافیایی وبه منظور رفع نگرانی‌های مربوط به حقوق مشارکت کشورهایی است که از این مکانیزم بازار کمتر بهره برده‌اند، معرفی شده است. حتی در کنوانسیون UNFCCC و پروتکل کیوتو، CBDR (اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت) از تمایز اعضای ضمیمه و غیر ضـمیمه فراتر رفته و علیرغم افزایش میزان تغییر در پروفایل‌ها و ظرفیت‌های انتشـار جهانی، در رژیم تغییرات آب و هوا در سـال‌های اخیر برای غلبه بر این تمایز دوگانه، تلاش شده است.

۱-۱-۳- مکانیسم تمایز در توافق‌نامه پاریس

توافق‌نامه پاریس مهمترین توافق جهانی درخصوص رژیم تغییرات اقلیم پس از کنوانسیون تغییرات آب و هوایی وپروتکل کیوتو است که به نحوی کشورهای صادرکننده انرژی را تحت تأثیر تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار داده است. هدف توافق‌نامه پاریس تقویت چگونگی واکنش جامعه جهانی به تغییر آب و هوا با تشکیل نهادهای دولتی بین‌المللی ا ست که متعهد به کاهش انت شار گازهای گلخانه‌ای گازهای گلخانه‌ای در محیط‌زیست هستند. کشورها متعهد شدند که سطح متوسط دمای جهانی را تا زیر ۲ درجه سانتی‌گراد کنترل و مهار کنند (Magali,&Terllak. 2001:44).

توافق‌نامه پاریس، نشان‌دهنده اوج این فرآیند تمایز است، زیرا می‌توان به دوقطبی بودن اعضای ضمیمه و غیر ضمیمه پایان دهد.[۱] بر اساس توافق جدید، تمایز به طرق مختلف در زمینه‌های موضوعی و به شیوه‌ای عملگرا انجام می‌شود. این تمایز در حالی حاصل می‌شود که همه اع ضاء ملزمند درخ صوص کاهش انت شارات، تلاش‌های بلند پروازانه‌ای را انجام دهند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. همچنین ملزمند تا نوع و محدودیت و تعهدات کاهشـی خود را در یک سـیسـتم تعهداتی، تعیین کنند. چنین تمایزی مشـارکت گسـترده‌تری را ترویج می‌کند. از نظر چارچوب شفافیت، تمایز به طور م ساوی با دا شتن یک سی ستم یکنواخت قابل اجراء معرفی می‌گردد که به هر حال انعطاف‌پذیری و حمایت در رابطه با ظرفیت اعضـاء را ارائه می‌دهد (Rajmani,L. 2015:17). سـرانجام توافقنامه به طور واضـح، م سئولیت ا صلی تأمین منابع مالی را به ک شورهای تو سعه‌یافته محول می‌کند و معتقد ا ست که ک شورهای در حال تو سعه برای اجرای مؤثر توافق‌نامه نیاز به حمایت دارند.[۲] به موازات این تحولات در رژیم بین‌الدولی تغییرات آب و هوا، ابتکارات حاکمیت اقلیمی فرا ملی (TCG) به عنوان جایگزینی برای اقدام در رابطه با کاهش، سازگاری یا تأمین مالی خارج از فرآیندهای چندجانبه ظاهر شده ا ست. از یک سو آنها شامل حمایت و انتشار سیاست‌ها و شیوه‌های مربوط به آب و هوا در سطوح مختلف دولتی وهمچنین بازیگران غیر دولتی، می‌با شند. اما آنها همچنین پا سخی به ناتوانی آ شکار رژیم تغییر چند جانبه آب و هوا برای ر سیدگی در کاهش تغییرات اقلیم و شرایط متغیر جهان هستند. بنابراین از سیاستگذاری صرف بین دولت‌ها به سیستمی که شامل فعالان عمومی و خصوصی در همه سطوح نیز می باشد، متمایل شده است که در تنظیم و اجرای هنجارها و سیاست‌گذاری‌ها یک روند مشخصی دارد.

---

[۱] Paris (France)13 dev. 2015. not yet it force in UNFCCC, report of the conference of the parties on its twenty-first session ,addendum. un doc,fccc/cd/2015/10/add,1,29 jan,2016. p22.

[۲] Art3. paris agreement

چارچوب شفافیت تحت توافق‌نامه پاریس مشترکات بیشتری را بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد. در عین حال توافق‌نامه پاریس، تمایز بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را به ویژه با ارائه مقررات مربوط به روشهای انعطاف‌پذیری تصدیق می‌کند. اینکه روشها و دستورالعمل‌ها، باید دو شاخه شود یا نه و چگونگی بهینه سازی چنین انعطاف‌پذیری، هسته اصلی مذاکرات اساسی است. همه اعضای توافقق‌نامه باید (NDC) را ارائه دهند. که در واقع این امور، مقرراتی از توافق‌نامه در ایفای تعهدات هستند مبنی بر اینکه اعضای کشورهای توسعه یافته باید به لحاظ اقتصادی در راستای اهداف کاهشی انتشار آلاینده‌ها پیشرو باشند. اعضای کشورهای در حال توسعه باید تلاش‌های خود را برای کاهش ادامه دهند، تشویق می‌شوند که با توجه به شرایط مختلف ملی به مرور به سمت اهداف کاهشی انتشار یا محدودیت در سطح اقتصاد پیش روند. ارائه حمایت برای کشورهای پیشرفته یک الزام اجباری است و سایرکشورها به این امرترغیب و تشویق می‌شوند. سؤال مهم این است که چگونه می‌توان اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را در طراحی روش‌ها و خطوط راهنما تحت چارچوب افزایش شفافیت منعکس کرد؟ آیا سیستم دوگانه‌ای برای انعکاس تمایز میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته ضروری است؟چارچوب شفافیت کل برای همه اعضاء مشترک می‌باشد.

از سوی دیگر این تمایز باید منعکس شود، زیرا به عنوان موقعیت دوگانه توسط گروه‌های کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته استدلال می‌گردد. همانطور که در بالا بحث شد، کمبود ظرفیت‌های ملی، مانع و محدودیتی اساسی برای کشورهای در حال توسعه برای افزایش شفافیت است و توافق‌نامه پاریس قبلاً تصدیق کرده است که از درخواست ایجاد ظرفیت‌های مربوط به شفافیت اعضای کشورهای در حال توسعه به طور مداوم حمایت می‌کند. برای کشورهای مختلف در حال توسعه این محدودیت در خصوص هزینه ظرفیت سازی در بخش‌های مختلف، منابع انسانی، منابع مالی، توانایی‌های فنی، ترتیبات نهادی و مبانی قانونی آشکار می‌شود. بنابراین (NDC)های تحت توافق‌نامه پاریس، انعطاف‌پذیری تعیین شده ملی است که عملی‌ترین روش به منظور اجرایی کردن مواد توافق‌نامه پاریس می‌باشد.

انعطاف‌پذیری نباید بهانه‌ای برای عدم پیشرفت و توسعه باشد، اما فراهم آوردن یک فضا و محیط توانمند برای بهبود کشورهای در حال توسعه اولویت دارد. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از نظر ملی، چگونگی اجرای مقررات شفافیت بین حداقل و مقررات سطح بالاتر را با توضیح در مورد گزینه‌های فعلی و نظرات خود در مورد بهبود وضعیت آینده تعیین کنند. در همین حال انتظار می‌رود که کشورهای در حال توسعه با پشتیبانی و حمایت مداوم و ظرفیت سازی، اجرای هر گونه شفافیت بیشتر و مقررات پیشرفته‌تر را بدون هیچ گونه عقبگرد (پسرفت) بهبود بخشند، هرچند قابل فهم و درک است که بعضی از کشورهای در حال توسعه با کمترین ظرفیت ممکن است هرگز به بالاترین سطح مقررات نرسند. در توافق‌نامه پاریس سازوکارهایی برای کمک مالی (نه بلاعوض) پیش‌بینی شده است، وجود منابع مالی که بتواند جذب بخش‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری شود، بنابراین ظرفیت‌سازی و انتقال و توسعه تکنولوژی جزو تعهدات کشورهای صنعتی است که بتواند کشورهای در حال توسعه را در کاهش گازهای گلخانه‌ای همراه کند. برای ظرفیت‌سازی و انتقال تکنولوژی نیز سازوکاری پیش‌بینی شده است که کشورهای توسعه یافته و داوطلب در حال توسعه به صندوق اقلیم محیط‌زیست منابع تزریق کنند و در نظر گرفته شده که حداقل تا سال ۲۰۲۵ سالانه معادل صد میلیارد دلار در قالب بلاعوض، چندجانبه و دوجانبه تأمین منابع مالی با نرخ‌های تشویقی صورت گیرد تا ۵۰ درصد آن کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه و ۵۰ درصد آن صرف اقدامات سازگاری شود (شفیع‌پور، ۱۳۹۵).

۲- عملیاتی کردن مکانیسم تمایز تحت توافق‌نامه پاریس:

در نظام حقوقی تغییرات اقلیم، با شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، با تعهدات مشخص و تفکیک شده‌ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مواجه می‌گردیم. توافق‌نامه پاریس مقرر داشته است که برای انعکاس عدالت، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها و توانایی‌هایی مربوطه، با توجه به شرایط مختلف ملی، اجرا خواهد شد. ماده۷ توافق‌نامه به موضوع افزایش ظرفیت سازگاری، تقویت انعطاف‌پذیری و کاهش انعطاف‌پذیری و کاهش آسیب‌پذیری نسبت به تغییر اقلیم با توجه به هدف اصلی توافق‌نامه پرداخته است. تعیین هدف جمعی کاهش آسیب‌پذیری آب و هوایی و تقویت انعطاف‌پذیری آب و هوایی اکوسیستم‌ها، آماده سازی، پیاده سازی و گزارش‌دهی تلاش‌های سازگاری ملی توسط تمامی اعضاء، کمک به کشورهای در حال توسعه در شناخت

شیوه‌های سازگاری مؤثر از طریق ارائه فرصت‌ها وحمایت‌ها برای اقدامات و تلاش‌های سازگاری، ارزیابی پیشرفت‌های سازگاری و اولویت‌ها و همچنین تبادل تجربیات و آموخته‌ها، از تعهدات اعضاء مقرر در این ماده می‌باشد. در این مورد نیز توافق‌نامه به حمایت و همکاری‌های بین‌المللی در اقدامات سازگاری با در نظر گرفتن نیازهای اعضاء کشورهای در حال توسعه به ویژه گروه‌هایی که به طور خاص نسبت به اثرات نامطلوب تغییر اقلیم آسیب پذیری می‌باشند، تأکید داشته است (Bodansky,2016:142). بدین منظور توافق‌نامه تعهدات اعضاء را در یک دسته‌بندی مشخص و بر اساس محورهای مشخص، تبیین نموده است.

۲-۱- محورهای تمایز در توافق‌نامه پاریس

۲-۱-۱- تعهد به عدم پسرفت

دولت‌های جزیره‌ای کوچک در حال توسعه در اقیانوس آرام و اغلب کشورهای در حال توسعه خواستار تعهدات حقوقی الزام‌آور مداومی در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای توسعه یافته در طول سالیان متوالی بوده‌اند. اما با پیشرفت مذاکرات در کارگروه برنامه اقدام دوربان مشخص شد که کشورهای توسعه یافته تعهدات حقوقی الزام‌آوری در خصوص کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را طبق سند جدید ندارند (Wewerinke,2016:26). در مذاکرات پاریس نیز میان کشورها دو دستگی در این خصوص ایجاد شده بود و برخی گروه‌ها مانند گروه آفریقا، کشورهای کارائیب و آمریکای لاتین و. . . به شدت از تأسیس (سازوکار بلند پروازانه)[1] برای بازنگری مرتب و تقویت تعهدات برای هر پنج سال یکبار حمایت کردند. در نهایت طبق توافق مقرر گردید که تعهدات هر پنج سال گزارش شود و به طور ادواری اعضاء از اجرای موافقت‌نامه ارزیابی به عمل آورند تا پیشرفت‌های حاصله اندازه‌گیری شود. بر این اساس این ارزیابی‌ها باید جامع بوده و موارد کاهش انتشار، انطباق، لوازم اجرا و حمایت را در برگیرند. این ارزیابی از سال ۲۰۳۳ و بعد ازآن هر پنج سال صورت می‌گیرد که نتیجه این ارزیابی‌ها باید به اطلاع همگان برسد. بنابر آنچه در موافقت‌نامه اقلیمی پاریس آمده است اعضاء می‌توانند سطح اقدامات خود را مطابق با دو شرط (به روز کردن نظم آنها حداقل هر پنج سال یکبار و تعهد به پسرفت نکردن) مطابق با ماده ۴، تعیین کنند (Obergasel&et. al,2016:43). به نظر می‌رسد تعهد به پسرفت نکردن که از ابتکارات این توافق‌نامه است، می‌تواند خودبه عنوان یک اصل مهم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی شود.

۲-۱-۲- پذیرش ایجاد تمایز

از ابتدای مذاکرات تمایزات میان کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته با کشورهای توسعه‌یافته یکی از دشوارترین مسائلی بود که می‌بایست حل می‌شد و تمام عناصر موافقت‌نامه پاریس از جمله کاهش انتشار، انطباق، امور مالی و شفافیت را تحت‌الشعاع قرار می‌داد (امینی ومیان آبادی۱۴۹:۱۳۹۱).

از همان آغاز بسیاری از کشورها با ساختار ضمیمه‌ای که در کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیم و همچنین پروتکل کیوتو وجود داشت مخالفت جدی نموده‌اند. براساس استدلال آن‌ها این ساختار هیچ‌گاه به‌طور کامل منعکس‌کننده اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نبود. زیرا در همان حالی که اقتصاد جهانی تغییر یافت، به شکل فزاینده‌ای از واقعیت فاصله گرفت. برای نمونه آن‌ها ادعا کردند که کشورهایی که به سرعت پیشرفت کردند و ثروتمند شده‌اند، همچنان تحت عنوان کشورهای درحال‌توسعه طبقه‌بندی می شوند. همچنین به تدریج، میزان انتشار کشورهای درحال‌توسعه مجموعاً از انتشار کشورهای توسعه‌یافته در حال پیشی گرفتن است (Liu,2015:222).

از سوی دیگر، کشورهای درحال‌توسعه استدلال می‌کردندکه ساختار ضمیمه‌ای منصفانه است. زیرا آن‌ها مسئولیت کم و اولویت‌های توسعه‌ای دیگری دارند. پیش‌نویس موافقت‌نامه اقلیمی پاریس که توسط کارگروه تخصصی دوربان تهیه‌شده بود، نشان می‌داد که این پیش‌نویس از رویکرد دسته‌بندی و محور پروتکل کیوتو عبور کرده و در آن صراحتاً اعلام‌شده بود که توافق جدید بر کلیه کشورها حاکم خواهد بود و هیچ اشاره‌ای به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یا اعضای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه ضمیمه یک یا غیرعضو ضمیمه‌های یک و

[1] Ambition mechanism

سایر د سته‌بندی‌هایی که تا آن زمان بر رژیم اقلیمی حاکم بود ند شد. ازاین‌رو این پیش‌نویس چارچوب کاملاً متفاوتی را برای مذاکرات پاریس نسبت‌به موارد پیشین ایجاد نمود (Rajmani,L. 2012:51). بنابراین موافقت‌نامه پاریس به شکل گسترده‌ای از رویکرد دسته‌بندی محور مندرج در پروتکل کیوتو عبور کرد. (Bodansky,D. et,al. 2016:25) این موافقت‌نامه هیچ اشاره‌ای به ساختار ضمیمه‌ای کنوانسیون چارچوب نکرد و در عوض ا صل مسئولیت مشترک اما متفاوت را به شکل متفاوتی در عنا صر مختلف خود منعکس نمود. توافق‌نامه پاریس نه تنها اعضاء را دسته‌بندی نمی‌کند، بلکه تعهدات خاصی را به دسته‌ای خاص نسبت نمی‌دهد. لذا تمایز را در ویژگی‌های هر حوزه (کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، تأمین منابع مالی و تکنولوژی، ظرفیت سازی و شفافیت) مد نظر قرار می‌دهد. از این رو، توافق‌نامه، در حوزه کاهش انت شار گازهای گلخانه‌ای از تمامی ک شورها می‌خواهد تا اقدامات بلند پروازانه‌ای را اعمال نمایند و ک شورهای تو سعه‌یافته را ملزم به هدایت و رهبری دراین خصوص می نماید. ولی در حوزه شفافیت، ایجاد تمایز از طریق ایجاد انعطاف‌پذیری درکشورهای درحال‌توسعه که در پرتو ظرفیت‌هایشان بدان نیاز دارند، صورت می‌گیرد.

۲-۱-۳- برنامه مشارکت تعیین شده در سطح ملی (INDCs)

غنی سازی ا صل (CBDR) یکی از ابتکارات توافق‌نامه پاریس ا ست. که این بار به جای د سته‌بندی اع ضاء، دولت‌ها م سئولیت‌های قانونی متفاوتی را بر اساس مشارکت‌های مختلف در تغییرات آب و هوا و سطوح مختلف در حال توسعه برعهده می‌گیرند. همچنین استانداردهای متفاوتی مانند (شرایط مختلف ملی، ظرفیت های مربوطه وهمچنین مسئولیت مبتنی بر ظرفیت‌ها) تبیین شده‌اند. ک شورهای تو سعه یافته باید کاهش کمی انت شار گازهای گلخانه‌ای را به عهده بگیرند. همچنین ملزمند اهداف، طرح‌ها، گامها و اقدامات خود تعیین شده خود (مشارکت‌های تعیین شده ملی NDCs) را ارائه نمایند. NDCها هم تعهدات قانونی و هم رویکردهای در قبال حاکمیت بین‌المللی آب و هوا هستند (Hua,J. 2017:27). در حقیقت تحلیل محیط حقوقی شکل‌دهنده توافق پاریس نمایانگر محیطی برآمده از اتفاق و اراده جامعه جهانی در راستای اجرای اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد (Jabbour,J. 2012:45). اعضای معاهده پاریس متعهد شدند که به اهداف این توافق‌نامه پایبند باشند. اعضاء قول داده‌اند که در تهیه، برقراری ارتباط و نگهداری NDC های متوالی مشارکت خواهند داشت (Santo. 2017:77). این NDCها در پیگیری اقدامات در هریک از کشورهایی که با هدف کاهش سطح آلودگی انجام می شود بسیار مفید خواهند بود (Wewerinke,M. 2016:34). از طریق NDC ها توافق پاریس می‌تواند اع ضاء را متعهد سازد. یکی از پر سش‌های ا صلی در این خ صوص این ا ست که آیا باید یک ارزیابی بین‌المللی برای دوره پس‌از توافق پاریس وجود دا شته با شد و این فرآیند باید از چه زمانی آغاز شود و مهم‌تر آنکه این ارزیابی باید پیش‌از این در نخ ستین دوره اجرای توافق صورت گیرد یا خیر؟ (Obergassel,2016:52).

۲-۱-۴- انطباق

اغلب کشورهای درحال‌تو سعه در خصوص برابری میان کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انطباق با تغییر اقلیم از مدت‌ها قبل بحث دا شتند. توافق‌نامه پاریس دربردارنده یک مقرره قانونی سخت و چندین مقرره قانونی نرم در رابطه با انطباق با تغییر اقلیم ا ست. اع ضا باید متعهد شوند تا در برنامه‌ریزی در زمینه انطباق با تغییر اقلیم و اجرای اقدامات در این خصوص مشارکت کنند. نیاز است اعضا اطلاعات مربوط به انطباق با تغییر اقلیم را ضمن شناسایی اولویت‌ها و نیازها برای ثبت در دفتر ثبت عمومی ارائه و به‌روز کنند و همکاری در زمینه انطباق با تغییرات اقلیم را تقویت کنند (امینی ومیان آبادی۱۵۱:۱۳۹۱) توافق‌نامه پاریس همچنین طرف‌ها را موظف می‌کند که روش‌های شناسایی تلاش‌های کشورهای درحال‌توسعه در زمینه انطباق با تغییر اقلیم را تهیه کنند. همچنین، افزایش کمک‌های مالی در پیوند با انطباق برای بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه از اولویتهای اصلی مذاکرات بود.

۲-۱-۵-تأمین مالی

بحث اصلی گفت‌وگوهای تغییرات اقلیم طی فرآیند کنوانسیون همواره این بوده‌است که کشورهای توسعه‌یافته باید منابع مالی کافی به کشورهای درحال‌توسعه ارائه دهند تا آن‌ها را در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و انطباق با تغییرات اقلیمی یاری کنند (Liu. 2014:223). اختلافات در زمینه ارائه منابع مالی در رژیم اقلیمی بین‌المللی همواره شکست نتیجه کل مذاکرات را تهدید کرده ا ست و

مذاکرات پاریس هم از این خطر در امان نبوده است. در مذاکرات پاریس ابهام اساسی این بود که چگونه می‌توان کمک‌های مالی احتمالی کشورهای درحال توسعه را که مورد درخواست کشورهای توسعه‌یافته بود، را مدون نمود. کشورهای درحال توسعه به نوبه خود خواستار این بودند که کشورهای صنعتی نقشه راه مشخصی را برای چگونگی انجام تعهد صد میلیاردی و تعهدات سخت خود برای افزایش سرمایه‌گذاری پس‌از سال ۲۰۲۰ تعیین نمایند. آنها همچنین خواستار تأسیس یک‌چرخه مالی ثابت برای ارزیابی و افزایش مرتب کمک‌های مالی از سوی کشورهای توسعه‌یافته بودند (Bodansky,2015:16). اما آنچه درنهایت تصویب شد فاقد همه ویژگی‌های لازم برای ارائه منابع مالی اقلیمی بود. چراکه، بند۱ ماده۹ توافق‌نامه مقرر می‌دارد: «کشورهای توسعه‌یافته باید برای حمایت از کشورهای درحال توسعه در ارتباط با کاهش انتشار و سازگاری در راستای تداوم تعهدات فعلی خود بر اساس کنوانسیون منابع مالی به آن‌ها ارائه دهند» و نیز بند ۲ماده ۹ توافق‌نامه پاریس اعضای دیگر کشورها را تشویق می‌کند که چنین حمایت‌هایی را به‌طور داوطلبانه انجام و ادامه دهند.

۲-۱-۶- انتقال فناوری

دسترسی به اطلاعات برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه امر ضروری است. زیرا این امر دروازه ورود به توسعه و تاب‌آوری اقلیمی است. به‌علاوه دسترسی به آخرین فناوری‌ها دارای اهمیت ضروری برای تبدیل اقتصاد کشورهای درحال‌توسعه به اقتصاد سبز است. فناوری‌ها برای تولید و ساخت انرژی کربن خنثی اغلب به‌جهت پیچیدگی شبکه حقوق مالکیت فکری برای کشورهای درحال‌توسعه غیرقابل‌دسترس است. علاوه براین هزینه دستیابی به فناوری در رژیم‌های مالکیت فکری موجود مانع دستیابی کشورهای درحال‌توسعه به فناوری مورد نیازشان برای حفاظت از شهروندان‌شان در برابر تأثیرات مخرب تغییرات اقلیمی می‌شود (Liu. 2014:15). یکی از جنبه‌های مهم اجرای مؤثر اقدامات معین کاهش داخلی کشورهای درحال‌توسعه دسترسی به فناوری‌هایی است که از زیرساخت‌های مبتنی بر سوخت‌های فسیلی تا حد ممکن پرهیز می‌کند. این‌موضوع نیز همواره یکی از موضوعات مهم مذاکرات میان کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته بوده است. علی‌رغم چالش‌های مرتبط با دسترسی به اطلاعات دولت‌ها نشانه‌های حرکت به سوی همکاری در این زمینه را پیش‌از بیست و یکمین کنفرانس اعضا ابراز داشتند. برای مثال برخی سازوکارهای انتقال فناوری در کنفرانس‌های قبلی و تصمیمات کنفرانس اعضا جهت ایجاد و عملیاتی‌سازی این ارکان که از قبل وجود داشت مقرر گردید. در مذاکرات پاریس گروه کشورهای درحال‌توسعه به‌دنبال تنظیم هدفی برای انتقال فناوری و مسائل مالی مربوط به آن از سوی کشورهای توسعه‌یافته بودند (Obergassel,et. al. 2016:51).

کشورهای درحال‌توسعه با پیگیری‌های مکرر توانستند یک ارتباط مشخصی میان فناوری و منابع مالی ایجاد کنند. موافقت‌نامه باید سازوکارهای موجود را جهت تضمین واقعی انتقال فناوری تقویت می‌کرد. هرچند که در عمل این امر اتفاق نیفتاد پیشنهادات ارائه‌شده جهت تقویت سازوکارهای موجود فناوری طبق کنوانسیون چارچوب رد شدند (امینی، ا. میان آبادی، ح. ۱۳۹۱). درنتیجه ماده ۱۰ توافق‌نامه پاریس صرفاً یک چارچوب فناوری جهت ارائه مشاوره و راهنمایی به کمیته اجرایی فناوری و مرکز شبکه فناوری اقلیمی ایجاد کرده است. به‌علاوه تعهدات کمی را در خصوص انتقال فناوری به آنچه از پیش ازاین در کنوانسیون چارچوب موجود بوده‌است اضافه کرده است.

۲-۱-۷- زیان و خسارت

زیان و خسارت به آن دسته از پیامدهای تغییرات اقلیمی اشاره دارد که نمی‌توان به آن‌ها سازگار شد. دولت‌های جزیره‌ای کوچک و سایر دولت‌های آسیب‌پذیر برای سالیان دراز به‌دنبال طرح مسئله زیان و خسارت بودند و معتقد بودند که این مسئله با موضوع انطباق تفاوت دارد. دلیل آن‌ها برای این ادعا آن بود که انطباق به‌طور بالقوه بر محدود نمودن پیامدهای تغییرات اقلیمی تمرکز دارد. درحالی‌که زیان و خسارت به گذشته برمی‌گردد و مربوط به زیان‌هایی است که پیش‌تر رخ داده‌اند یا اجتناب‌ناپذیر هستند. در مقابل کشورهای توسعه‌یافته به‌شدت با این مسئله مخالف بودند. چراکه بیم داشتند این مسئله دستاویزی برای کشورهای درحال‌توسعه در طرح دعاوی مسئولیت و جبران خسارت شود (Bodansky. 2016:25).

در کنفرانس ورشـو، اعضـاء سـازوکار بین‌المللی ورشـو را در خصـوص زیان‌ها و خسـارات مرتبط با اثرات ناشـی از تغییرات اقلیم، مخصوصاً نسبت‌به کشورهای آسیب‌پذیر ایجاد نمودند. اعضاء درخصوص این‌که آیا زیان‌ها و خسارت‌ها بایستی به‌عنوان بخشی از مسئله انطباق با تغییر اقلیم مطرح شود یا به صورت امر مجزا مورد نظر قرار گیرد اختلاف‌نظر دا شتند. بـ سیاری از کـ شورهای آ سیب‌پذیر باور دا شتند که مسئله زیان‌ها و خسارات متمایز از موضوع انطباق ا ست و مسائلی نظیر تعهد به جبران خسارت و پرداخت غرامت را در بر می‌گیرد. درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته ترجیح می‌دادند که این مسئله در چهارچوب انطباق با تغییر اقلیم بررسی شود. در کنفرانس ورشو اعضاء در خصوص ایجاد چارچوبی تحت چارچوب انطباق کانکون توافق کردند. اما در خصوص بررسی آن در سال۲۰۱۶ به توافق ر سیدند. در این سال، در کنفرانس لیما اعضاء بر روی یک برنامه کاری دو ساله درخصوص کمیته اجرایی و سازگاری بین‌المللی ور شو توافق کردند. مسـئله زیان و خسـارت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای دولت‌های جزیره‌ای کوچک، دولت‌های سـاحلی پسـت و دولت‌های آفریقایی در معرض خشـک‌سـالی برخوردار بود که در نهایت آن‌ها موفق شـدند ماده ۸ را درباره زیان و خسـارت در توافق‌نامه اقلیمی پاریس بگنجانند. البته همه کشـورها موافقت کردند که این ماده توافق‌نامه الزام‌آور نیسـت و یا مبنایی برای هرگونه مسـئولیت جبران خسارت محسوب نمی‌شود.

۲-۱-۸- شفافیت

مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها و قابلیت‌های مربوطه، مهمترین اصل راهنما در رژیم بین‌المللی تغییرات اقلیم است که توسط کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی ایجاد شده است و در چارچوب شفافیت تحت کنوانسیون، طی چند سال اخیر منعکس شـده اسـت. ازآنجایی‌که توافق‌نامه پاریس در بردارنده تعهدات الزام‌آور مقید به نتیجه در رابطه با محتوای برنامه‌های مشارکتی اعضا نیست، چارچوب شفافیت توافق‌نامه، سازوکار اصلی برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن دولت‌ها برای انجام آنچه برعهده گرفته‌اند می‌باشـد (Van,2015:67). تاکنون رژیم اقلیمی به نگرانی‌ها از طریق ایجاد تمایز میان تعهداتشـان و تعهدات کشـورهای توسـعه‌یافته پا سخ داده‌ا ست. برای مثال توافقات سال ۲۰۱۰ کانکون، دو سیستم را ایجاد کرد که شامل سیستم ارزیابی و برر سی بین‌المللی برای کشورهای توسعه‌یافته وهمچنین سیستم مشورت و تحلیل بین‌المللی برای کشورهای درحال‌توسعه [1] می‌باشد. ازاین‌رو یک مسئله مهم در مذاکرات پاریس این بود که آیا بعد از رویکرد دوگانه توافقات کانکون به سمت یک سیستم شفافیت م شترک هم برای کـ شورهای توسـعه‌یافته و هم برای کشـورهای درحال‌توسـعه حرکت کرد.تا آخرین روزهای کنفرانس پاریس بسـیاری از کشـورهای درحال‌توسـعه مخ صو صاً کـ شورهای درحال‌تو سعه و هم‌عقیده در خ صوص سیستم دوگانه‌ای که الزامات متفاوتی را برای م سئله شفافیت برعهده‌ی کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته می‌گذاشت به بحث می‌پرداختند (امینی ومیان آبادی۱۳۹۱:۱۷۵).

سـیسـتم شـفافیت توافق‌نامه پاریس، ایجاد تمایز میان کشـورها را نه از طریق رویکرد دوگانه میان کشـورهای در حال توسـعه و توسـعه‌یافته بلکه از طریق ایجاد تناسـب عملی تعهدات با ظرفیت‌های کشـورها مدنظر قرار می‌دهد. سـیسـتم شـفافیت با توجه به ظرفیت‌های مختلف اعضـاءبه کشـورهای درحال توسـعه اختیارات لازم را می‌دهد و از طریق ظرفیت سـازی جدید به آنها در ایفای تعهداتشـان کمک خواهد کرد. تفاوت در اجرای مقررات شـفافیت بین کشـورهای توسـعه یافته و در حال توسـعه حاکی از ظرفیت‌های مختلف ملی است. توافق‌نامه پاریس، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را از کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوا، اقتباس کرده اسـت. البته توافق‌نامه، تفسـیر جدیدی از این اصـل را با توجه به شـرایط مختلف محلی ارائه داده اسـت. این توافق‌نامه تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به ویژه با معرفی مقررات انعطاف‌پذیری برای کشورهای در حال توسعه تصدیق می‌کند. ایجاد یک چارچوب شفافیت بین‌المللی مؤثر و قوی با هدایت ا صل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها برای تقویت اعتماد متقابل بسیار اهمیت دارد. مطابق توافق‌نامه پاریس، هر چند همه اعضاء موظف به انجام تعهدات خود هستند، اما این تعهدات در سـطح داخلی تعیین می‌شـود. به علاوه، توافق‌نامه می‌پذیرد که با این هدف که کشـورهای توسـعه یافته باید منابع مالی را ارائه دهند،

[1] CANCUN AGREEMENT ,PARA 44,46(d), 63 and 66.

کشورهای دیگر تشویق می شوند که این حمایت را به صورت داوطلبانه انجام دهند. با این که یک چارچوب شفافیت مشترک وجود دارد، قواعد جزئی آن باید برای ظرفیت‌های ملی مختلف و کشورهای در حال توسعه‌ای که باید در آن ظرفیت‌سازی کرد، تشریح شود.

۳- چالش‌های پیش رو در اجرای اصل تمایز

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، از اساسی‌ترین مفاهیم در عرصه همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲). کاربرد عملی آن به لحاظ عدم پذیرش توسط برخی کشورهای توسعه یافته به خاطر تعهدی که بر عهده آنها می‌گذارد، آسان نیست. بر سر راه اجرای اصل مسئولیت اما مشترک در رژیم اقلیمی موانعی وجود دارد. شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، مانعی بر سر راه عملیاتی‌سازی این مکانیسم تمایزاست. مانع دیگر محدودیت خود این اصل است که برای قراردادن مسئولیت‌های متفاوت بر دوش کشورهای در حال توسعه‌ای که به میزان کشورهای صنعتی گاز های گلخانه‌ای منتشر می‌کنند، عدم تعادل ایجاد می‌کند. تردید در پذیرش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، تردید در پذیرش تجارت گازهای گلخانه‌ای، عدم پذیرش حذف پیشنهادات توسط کشورها، عدم شفافیت در تعهدات دولت‌ها ناشی از مسئولیت تاریخی کشورها در قبال انتشار گازهای گلخانه‌ای، باز بودن لیست اصول حاکم بر اسناد اقلیمی، ابهام در عبارات بکار گرفته شده در این اسناد وتفاوت در کیفیت و کمیت تلاش‌های کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در مبارزه با تغییرات اقلیم و همچنین فقدان همبستگی لازم میان کشورها در اجرای اصل، موانعی هستند که رژیم اقلیمی با آن مواجه است.

از همان ابتدا مشخص بود که کنوانسیون تغییرات آب هوایی و پروتکل کیوتو برای مقابله با تغییرات آب و هوایی مؤثر نیستند، اما در عمل تمایز بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه به گونه‌ای طراحی شده است که تغییر دادن آن بسیار دشوار است. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو، در وضعیتی هستند که تعهدات اعضاء را که مربوط به اولویت‌ها، اهداف و شرایط توسعه آنها است، مشخص می‌کنند. مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت یا مشخص کردن آنها برای انجام رفتار متفاوت فقط در مورد تعهدات کاهش‌دهنده اعمال نمی شود. تمایز و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها CBDR در مقررات مربوط به حمایت مالی، فنی و تقویت ظرفیت‌ها در مقررات مربوط به حمایت از سازگاری در کشورهای در حال توسعه و حتی در رژیم حقوقی پروتکل کیوتو قید شده است. اقداماتی نیز برای تسهیل در جذب مکانیسم توسعه پاک در کشورهای کمتر توسعه یافته، معرفی شده است. پروتکل کیوتو الزامات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کشورهای درحال‌توسعه تعیین نکرده‌است. در عوض تمام مفاد آن در مورد کشورهای توسعه یافته (عضو ضمیمه یک) اعمال می‌شود (Harris, P. 2019:28).

کشورهای توسعه یافته استدلال می‌کردند که ضمیمه یک پروتکل کیوتو، که تعهداتی را صرفاً بر کشورهای برشمرده در این ضمیمه بار می‌نماید دیگر منسوخ شده است. زیرا بسیاری از کشورهای غیر عضو امروز ثروتمندتر از بسیاری از کشورهای صنعتی قدیم گردیده و سهم آنها نیز در انتشار جهانی به شدت افزایش یافته است. درمقابل کشورهای در حال توسعه به شدت در برابر هرگونه برداشتن تمایز میان ضمیمه‌ها مقاومت می‌کردند و اصرار داشتند کشورهای ضمیمه یک باید پیشگامی خود را ادامه دهند. استدلال آنها در این خصوص آن بود که کشورهای توسعه یافته مشکلات اقلیمی را ایجاد کرده‌اند و هم اکنون نیز منابع اقتصادی بیشتری برای اقدامات در اختیار دارند. توافق‌نامه پاریس در محیط متمایز حقوقی، مذاکراتی، سیاسی و اقتصاد و انرژی شکل‌گرفته و تمامی اعضاء را در قالب رژیم پایبندی متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای خود از طریق ارائه NDC[1] اقدامات معین ملی می‌نماید (سلیمانپور و بنی اسد، ۳۷:۱۳۹۶). مهمترین جنبه یک توافق، تعهد اعضاء به اطمینان از تحقق سهولت تمام اهداف توافق است (Falkner,r. 2016:87) فقدان محدودیت‌ها و اهداف الزام‌آور در توافق‌نامه پاریس، اجرای آن را با مشکل مواجه کرده است. این واقعیت، ممکن است سایر کشورها را متعهد به انجام تعهدات خود نسازد (Dimitrov. R. 2016:140).

کشورهای توسعه یافته نیرو و منابع لازم برای انجام این کار را دارند. آنها بر سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده تأثیر می‌گذارند. اجرای معاهدات بین‌المللی به خصوص زمانی که محدودیت‌ها یا اهداف الزام‌آور وجود نداشته باشد دشوار است. این به این معنا است که

[1] National Determine Contributions

معاهده دارای حفره‌هایی است که می‌تواند توسط کشورهای عضو مورد هدف قرار گیرد، یعنی تا زمانی که این معاهده به نفع آنها نباشد، آن را رعایت نکنند (Magali,&Terllak. 2001:44). اما مسأله قابل توجه مذاکرات پاریس میزان توافق و همکاری سنتی کشورهای در حال توسعه بود که در طی چند سال بعد از تصویب کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد و پروتکل کیوتو تغییر کرده بود و یکپارچگی قبلی خود را نسبت به گذشته از دست داده بودند.

از سوی دیگر کشورهای آسیب‌پذیرتر در مقابل تغییرات اقلیمی از جمله کشورهای جزیره‌ای کوچک درحال توسعه و کمتر توسعه یافته به جد و به شکل گسترده خواستار اقدامات کاهشی از سوی همه تولیدکنندگان عمده از جمله کشورهای صنعتی قدیم و جدید بودند و مصر بودند تمام کشورها قاطعانه در برابر تغییرات اقلیمی مبارزه نمایند. پیشرفت اصلی برای از میان برداشتن این موانع در کنفرانس ورشو به سال ۲۰۱۳ محقق شد. در این راستا کنفرانس مفهوم برنامه‌های مشارکتی در سطح ملی (INDCs)[1] خلق شد که اصطلاح (برنامه ها[2]) به جای (تعهدات[3]) بکارگرفته شد. کشورهای عضو ضمیمه یک نیز از ایجاد هرگونه تمایزی میان خودشان و کشورهای غیر عضو ضمیمه یک در ارتباط با ماهیت حقوقی مشارکت در توافق جدید خودداری نمودند. بنابراین، تصمیمات اتخاذ شده در این توافق صرفاً دربردارنده یک سری از قواعد بود که بر همه کشورها حاکم است. این در حالی است که از کشورهای توسعه یافته می‌خواهد کشورهای در حال توسعه را برای اجرای این ماده مورد حمایت قرار دهند. البته بسته کاتوویتس، از تحولات رخ داده بعد از نشست پاریس می‌باشد.

بسته کاتوویتس همان‌طور که اغلب با همین نام مطرح می‌شود، برخی از ابهامات را روشن کرد. این بسته، از اثربخشی انطباق مشاوره‌ای پشتیبانی می‌کند. جنبه‌های کلیدی بسته کاتوویتس، شامل دستورالعمل‌های سند مشارکت ملی[4] همکاری داوطلبانه و مکانیزم‌های بازار، گزارش انطباق، مشارکت جهانی، چارچوب فناوری پیشرفته (ET) بوده است. همچنین، اعضای توافق‌نامه و دستورالعمل‌های جدید در مورد نحوه گزارش NDC موافقت کردند. البته هنوز توافقی در مورد فریم‌های زمانی مشترک برای NCD ها وجود ندارد. نحوه ایجاد تمایز در نظام حقوقی تغییرات اقلیم مبتنی بر دو عامل مشارکت خاص در تغییر اقلیم از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای و همچنین ظرفیت‌های اقتصادی و فنی دولت‌ها در کاهش انتشار این گازهای می‌باشد. این دو معیار با وجود اینکه بعضی از جنبه‌های مسئولیت دولت‌ها را منعکس می‌سازند، کارایی لازم را در تبیین نظام مسئولیت دارا نمی‌باشند. دسته بندی کشورها در رژیم حقوقی تغییرات اقلیم، با تکیه بر تولید ناخالص ملی و انتشار تاریخی گازهای گلخانه‌ای آنها، تبیین شده است. واضح است که مهم‌ترین شاخص برای تفکیک مسئولیت دولت‌ها در کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد، سطح توسعه اقتصادی آن کشورها بوده است. این طبقه‌بندی در پروتکل کیوتو نیز دنبال شده است. با مداقه در رویکرد توافقنامه پاریس نیز در می‌یابیم که در حالی که انتظار می‌رفت در روند تفکیک مسئولیت دولت‌ها اصلاحاتی با توجه به تغییر شرایط و توانمندی دولت‌ها اعمال شود، صرفاً کشورهای در حال توسعه تشویق شده‌اند تا متناسب با افزایش توانمندی‌های خود به تدریج برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اقدام کنند. اما مکانیسمی برای ملزم شدن این کشورها در این خصوص و تعیین مشارکت ملی آنها تعریف نشده است.

در متن توافق‌نامه پاریس صرفاً یک بار اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها عنوان شده است. هرچند که هیچ تغییر و جابجایی در دسته‌بندی کشورها دیده نمی شود. به موجب اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، دولت‌های در حال توسعه از کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای معاف شده اند. این در حالی است که این کشورها، نقش عمده‌ای در تشدید پدیده تغییرات اقلیم بازی می‌کنند. چراکه این پدیده در آینده ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای در حال توسعه خواهد بود. بکارگیری مکانیسم تمایز، موجبات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای در حال توسعه‌ای مثل چین و هند را فراهم نمی‌آورد. بنابراین شرایط حاکم بر رژیم اقلیمی مبتنی بر تمایز، دستیابی به نظام حقوقی اقلیمی کارآمد را غیرممکن نموده است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها از مقبولیت نسبتاً بالایی در جامعه بین‌المللی در میان کشورهای در حال توسعه برخوردار است و به نقش محوری و مرکزی خود در

[1] Intended nationally determined contribution
[2] Contribution
[3] Commitments
[4] -National Determine Contributions(NDC)

مذاکرات مربوط به تغییرات اقلیم ادامه خواهد داد (Stone,2009:290:75). آنچه مسلم است تا به امروز، تفاسیر متفاوتی از این اصل صورت گرفته است. در اجرا نیز این اصل با چالش‌های بسیاری همانند تقابل با منافع دولت‌ها روبه رو می‌باشد. نگاه رو به گذشته این اصل، بدون توجه به تغییرات حاصله (انتشار آینده گازهای گلخانه‌ای، تغییرات در میزان توسعه یافتگی و توانمندی دولت‌ها) از موانع پیش رو در اجرای این اصل خواهد بود. با وجود اینکه که بار مسئولیت مبارزه با بحران تغییرات آب و هوایی می‌بایست بر دوش همه کشورها باشد، باید میان انصاف درون نسلی و انصاف بین نسلی قائل به تفکیک شد. انصاف بین نسلی، مفهومی ارزشی است که بر حقوق نسل‌های آتی بشریت تأکید دارد (Onuzo et al. 2013:4-5). با وجود تفاسیر متفاوتی که از اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در این حوزه می شود، به دلیل فقدان مکانیسم الزام‌آور در خصوص اعمال صحیح این اصل، موفقیت‌های قابل قبولی حاصل نگردیده است.

نتیجه گیری

تغییرات اقلیم، یکی از بزرگترین چالش‌های زیست‌محیطی است که جهان امروز با آن روبرو است. شواهد انکارناپذیر علمی مبتنی بر افزایش چشمگیر پدیده تغییرات اقلیم در ابعاد جهانی است. با وجود رژیم حقوقی اقلیمی مبتنی بر اسناد سه‌گانه بین‌المللی، تحقق اهداف این اسناد با چالشهای بسیاری روبرو است. این نظام حقوقی که با محوریت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها شکل گرفته است، بر بسیج تمامی امکانات، آسیب پذیری، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فنی، تکنولوژیکی و مالی متمرکز است. مسئله تغییرات اقلیم به شناسایی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها، پرداخته است. چنانکه، این مکانیسم تمایز، به عنوان یک اصلی راهنما و زیر بنایی در نظام حقوقی تغییرات اقلیم به کار گرفته شده است، مهم‌ترین توافقات جهانی تغییرات اقلیمی شامل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل کیوتو و توافق‌نامه پاریس، هر یک به نحوی کشورهای عضو را تحت تأثیر تعهدات کاهشی انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار داده‌اند. در این اسناد، که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته با مسئول شناختن کشورهای توسعه‌یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه این گروه‌ها از کشورها نموده است. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصلی نوین در نظام اقلیمی است که با شناسایی این اصل، تعهدات متفاوتی بر دولت‌ها بر اساس شرایط، اوضاع، احوال و نیازهای خاص کشورها در جهت مبارزه با تغییرات اقلیمی تحمیل می‌گردد. این اصل ناشی از سیستم دوگانه از طریق شناسایی استانداردها، پذیرش مسئولیت کشورهای توسعه یافته در برابر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته و همچنین وضع مقررات برای تحقق توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه اعمال می‌گردد.

به علاوه مطابق با این اصل، با تعهدات مشخص و تفکیک شده‌ای در جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مواجه می‌گردیم. سهم کشورها در انتشار گازهای گلخانه‌ای و تأثیرات تغییرات آب و هوایی، سیستم دوگانه‌ای از مسئولیت را پایه‌ریزی کرده‌اند. که این روند در هر سه سند اقلیمی دنبال شده است. تمایزات در توافق‌نامه پاریس به شکلی متفاوت نسبت به کنوانسیون- چارچوب یک نشانه از بازتابی متفاوت از اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت است. با این صورت که با توجه به اوضاع متفاوت داخلی، امکان ارائه تفسیری پویا از این اصول را فراهم می‌آورد. توافق‌نامه پاریس، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها را از طریق تفسیر تازه با توجه به شرایط مختلف محلی منعکس می‌کند. به علاوه تفاوت بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به ویژه با معرفی مقررات انعطاف‌پذیری برای کشورهای در حال توسعه تصدیق می‌کند. مشارکت‌های تعیین‌شده ملی NDC که با هدف ایجاد و فعال‌سازی تعهدات کاهشی آب‌وهوا، اعمال می‌شود شاخصه متمایزکننده توافق‌نامه پاریس از دو سند پیشین است.

بنابراین رژیم حقوقی تغییرات آب و هوایی، بر مبنای تمایز و مسئول شناختن کشورهای توسعه یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای شکل گرفته است. با وجود کاربرد موثر اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت (CBDR) در رژیم تغییرات اقلیمی باید به این موضوع اذعان داشت که این اصل اصلی مشکل ساز تلقی می‌شود. الگویی که به موجب مکانیسم تمایز ایجاد شده است، در صورت تداوم به دولت‌ها اجازه نمی‌دهد به طور مؤثر با گرمایش جهانی مبارزه کنند. کشورهای عضو در خصوص عادلانه و منصفانه بودن اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت متفق‌القول نیستند.

به منظور تقویت کارآیی نظام حقوقی تغییرات آب و هوایی مبتنی بر سیستم دوگانه مسئولیت، ضرورت دارد تا راهکارها و تدابیری اتخاذ گردد. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، نیازمند بازتعریف است تا با تقسیم مسئولیت‌ها و تعهدات به کشورهای درحال‌توسعه به سطوح انتشار بالا تمایز در کشورهای در حال توسعه نیز امکان‌پذیر باشد. در بین کشورها باید در خصوص کاربرد اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت برای نیل به یک مصالحه سیاسی- زیست‌محیطی توافق حاصل گردد. شاید بتوان تغییر و جابجایی در دسته‌بندی کشورها که همچنان بر اساس رویه کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد دنبال می شود را راهکاری موثر قلمداد نمود. چراکه دسته‌بندی انجام شده دسته‌های همگنی از دولت‌ها را ارائه نمی‌دهد. در حصول اطمینان از تمایز در کشورهای درحال‌توسعه نباید منطق اساسی برای رفتار متفاوت را که بر اساس سطوح تاریخی انتشار گازهای گلخانه‌ای است که مسئولیت اصلی آن برعهده کشورهای توسعه‌یافته است نادیده گرفته شود. همچنین توصیه می‌گردد که اصل CBDR به‌تدریج به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌المللی عرفی تفسیر شود.

منابع

امینی، اعظم؛ میان آبادی، حجت؛ نداف، ناصر (۱۳۹۷). نقش دیپلماسی در موافقت‌نامه اقلیمی پاریس. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. ۱۴ (۱)، ۱۷۵-۱۴۸.

پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*. تهران: انتشارات نشر دادگستر.

تقوی، لعبت؛ طیبی، سبحان (۱۳۹۲). چالش‌های جهانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تغییرات آب و هوایی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی. *مطالعات بین المللی پلیس*. ۳ (۱۱). ۱۳۵-۱۱۸.

سلیمانپور، هادی؛ بنی اسد آزاد، فرزانه (۱۳۹۶). توافق‌نامه پاریس: محور جدید همکاری در منطقه خلیج فارس. *فصلنامه سیاست خارجی*. ۳۱ (۳). ۶۰-۳۷.

شفیع‌پور، مجید (۱۳۹۵). *صفر تا صد توافق‌نامه تغییرات اقلیم پاریس*. مصاحبه‌ای با ایسنا. خبرگزاری دانشجویان ایران. ۳ اردیبهشت.

عبدالهی، محسن (۱۳۸۹). تغییرات آب وهوایی: تأملی بر راهبردها و تدابیر حقوقی. *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. ۴۰ (۱)، ۲۱۳-۱۹۳

عبدالهی، محسن؛ معرفی، سعیده (۱۳۸۹). اصل مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. *فصلنامه پژوهش حقوق*. ۱۲ (۲۹). ۲۰۰.

کیس، الکساندر؛ سند، پیتر. اچ.؛ لانگ، وینفراید (۱۳۸۶). *حقوق محیط‌زیست*. جلد سوم. ترجمه حسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Refrences

Abdollahi, M. (2010). Climate change: A reflection on legal strategies and measures. *Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Sciences*. 40 (1), 193-213. (in Persian).

Abdollahi, M. & Moarefi, S. (2010). Common but Different Principles in International Environmental Law**.** *Journal of Law Research*. 12 (29). 200. (in Persian).

Anjail, D. N. (2011). India's environmental trump card: How reducing Black Carbon through common but differentiated responsibilities can curb climate change. *Denver Journal of International Law & Policy*. 39 (3), 523-552:534.

Christopher, D. S. (2004). Common but differentiated responsibilities in International Law. *American Journal of International Law*. 98 (2), 276. DOI:10.2307/3176729

Amini, A.; Mianabadi, H. & Nadaf, N. (2018). The role of diplomacy in the Paris climate agreement. *Geopolitics Quarterly*. 14 (1), 148-175. (in Persian).

Bodansky, D. (2015). *Legal Option for U.S. Aacceptance of a New Climate Change Agreement*. U.S.: Center for Climate and Energy Solution CC2Es.

Bodansky, D. (2016)**.** *The History of Climate Change Regime*. http://graudatentitue. ch. file/live/sitrs/iheid/files/adminst/shared/doc-professor/laterbacher.

Bodansky, D. (2106). The legal character of the Paris agreement. *Review of European, Comparative & International Environmental Law.* 25 (2), 142-150. DOI:10. 111/real. 12154.

Chinwa Ole, N. (2021). Understanding the principle of common but differentiated responsibilities and its manifestations in multilateral environmental agreements, (MEAS) 11 Nnamdi Azikiwe. *Journal of Public and Private Law*. 11, 262-284.

Dimitrov, R. S. (2016). The Paris agreement on climate change, Behind closed doors. *Global Environmental* Politics. 16 (1), 123-141.

Falkner, R. F. (2016). The Paris Agreement and the new logic of international climate politics. *International Affairs.* 92, 1107. p87.

Harris, P.G. (2019). Common but differentiated responsibility: the Kyoto protocol and united state policy. *New York University Environmental Law Journal*. 7 (1). 17-28.

Jiahua, P. (2017). Common but differentiated commitment, A practical approach to engaging large developing emitters under L20. Post-Kyoto Architecture: Toward an L20. New York City.

Jabbour, J. et al (2012). Internationally agreed environmental goals: A critical evaluation of progress. *Environmental Development.* 3 (5), 45.

Jiménez, E. (2013). The principle of common but differentiated responsibilities and respective capabilities (CBDR&RC), The compliance branch of the Paris Agreement. *Theoretical Inquiries in Law*. 14 (1), 152-171.

Jutta, B. (2004). The United States and International Environmental Law: Living with an Elephant. *EJIL*. 15 (4), 617-649.

Kiessling, Ch.K. (2002). Common but differentiated responsibilities regarding climate change, Different Interpretations within the Brazilian National Context, JANUS.NET. Journal of International Relations. 13 (1), 152-170.

kiss, A.; Sand, P. & H. Long, W. (2007). *Environmental Law.* Vol. 3. Hassan Habibi (Trans.). Tehran: Tehran University Press. (in Persian).

Pauw, P et al (2014). *Different Perspectives on Differentiated Responsibilities: A State-of-the-Art Review of the Notion of Common but Differentiated Responsibilities in International Negotiations*. German: Development Institute.

Pourhashmi, S. A. & A, B. (2013). *International Environmental Law*. Tehran: Dadgostar Publishing House. (in Persian).

Liu, X.D. (2015). Assessment of achievement of the lima climate change conference and perspective on the future. *Advances in Climate Change Research.* 5 (4), 219-223.

Magali A., D. & Terlaak, A. K. (2001). A framework for analyzing environmental voluntary agreements. *California Management Review.* 43 (3), 44.

Matsui, Y. (2002). Some aspect of the principle of common but differentiated responsibility. *International Environmental Agreement*. 5, 719-721.

Obergassel, W. et al (2016). *Phoenix from the Ashes, an Analysis of the Paris Agreement to United Nations Framework Convention on Climate*. Wuppertal: wuppertal institute wupperinst.

Uchenna, O. et al (2013). *Intergenerational Equity***.** London: The London Scholl of economics and political science publications.

Pananya, L. (2014). The Interaction between WTO law and the principle of common but differentiated responsibilities in the case of climate-related border tax adjustments. *Goettingen Journal of International Law*. 6 (1), 145-170.

Pauw, P. et al (2014). *Different Perspective on Differentiated Responsibilities in International Negotiation– A State of the Art Review of the Notion of Common But Differentiated Responsibilities.* Germany: German Development of Institut.

Rajmani, L. (2012). *T*he Durban platform for enhanced action and the future of the climate regime**.** *International and Comparative Law Artery.* 61 (2), 501-518.

Rajmani, L. (2015). *T*he principle of common but differentiated responsibility and the balance of commitment under the climate regime**.** *Review of European Community and International Environment Law*. 9 (2), 12-24.

Rebecca, D. & Jane, M. (2017). International cooperation and responsibility sharing to combat climate change, Lessons for International Refugee Law. *Melbourne Journal of International*. 18 (2), 11-12.

Rishika, K. (2021). The principle of 'common but differentiated responsibilities' and the challenges posed by it in the context of international climate governance. *International Journal of Law and Legal Jurisprudence Studies.* 3 (20), 98-113.

Santos, M. (2017). Global justice and environmental governance: An analysis of the Paris Agreement. *Revista Brasileira de Political International.* 12 (8*)*, 77.

Shafipour, M. (2016). *Zero to One Hundred of the Paris Climate Change Agreement*. An Interview with ISNA. Iranian Students News Agency. May 3. (in Persian).

Shirazian, Sh.; Anisi, S. & Karimidouzaji, A. (2021). State responsibility on covid-19 damages under common but differentiated principle. *(CIFILE) Canadian Institute for International Law Expertise Journal of International Law*. 20 (3), 32-46. (in Persian).

Stone, Ch.D. (2009). Common but differentiated responsibilities in international law**.** *American Journal of International Law*. 98 (2), 301-76.

Suleimanpour, H. & Bani Asad Azad, F. (2017). The Paris Agreement: A New Axis of Cooperation in the Persian Gulf Region. *Foreign Policy Quarterly*. 31 (3), 37-60. (in Persian).

Van, H.; Sealon, H. & paw, P. (2015). Assessment and review under a 2015 climate change agreement. *Nordic Council of Ministers.* 17 (3), 67.

Taqavi, L. & Tayyibi, S. (2013). Global challenges of international environmental law, Climate change as a threat to international peace and security. *Quarterly Journal of Environment and Energy*. 2 (23), 234-242. (in Persian).

Van, H. (2017). Assault lecture on adaption and equity. *Strathclyde.* 32 (6), 12-24.

Wang, H. (2016). Phoenix from the ashes,an analysis of the Paris agreement to united nations framework convention on climate, wuppertal. *Wuppertal Institute*. 12 (3), 17-25.

Wewerinke, s. (2016). Margaretha and Daoebbler, Curtis, the Paris agreement: Some critical reflections on process and substance. *University of New South Wales Law Journal*. 39 (4), 26-43.

Zaccai, E. & Lugen, M. (2016). Common but differentiated responsibilities against the realities of climate change. *Archive for Recht-Und Sozil Philosophies*. 98 (15), 277.